



عن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبَوْهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

مخدومی، ممنوع!

شناسنامه مطلب	
e-d-27	کد مطلب
شرح احادیث	موضوع
-	موضوع مرتبط
علمی/سایر علوم/شرح حدیث و دعا/سایر منابع	رده
برده‌داری در اسلام، زهد، آفات دنیا، جاز و مجرور، فعل و شبه فعل عام، «من» جازه، حجاب معنوی، ارزش مؤمن	برچسب
در تولید این فایل از نرم‌افزار جامع الاحادیث متعلق به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و نیز نرم‌افزار المكتبة الشاملة استفاده شده است.	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

«لا يزال العبدُ من الله و هو منه ما لم يُخدم فاذا خُدم وجب عليه الحساب»^۱

اگرچه روایت فوق عامی است لکن مفاد صدر آن یعنی شدت اتصال مؤمن به خداوند از آیات و روایات کاملاً معلوم است و به عنوان نمونه یک خبر را دلالت پررنگی دارد، می‌آوریم: «من استفاد أخا في الله على إيمان بالله و وفاء بإخائه طلبا لمرضاة الله فقد استفاد شعاعا من نور الله و أمانا من عذاب الله و حجة يفلج بها يوم القيامة و عزا باقيا و ذكرا ناميا لأن المؤمن من الله عز و جل لا موصول و لا مفصول قيل له ع ما معنى لا مفصول و لا موصول قال لا موصول به أنه هو و لا مفصول منه أنه من غيره»^۲ و نیز مفاد ذیل آن و اکتفا می‌شود به ذکر آیه ۲۰ از سوره مبارکه احقاف که می‌فرماید: «و يوم يعرض الذين كفروا على النار اذهبتم طياتكم في حياتكم الدنيا و استمتعتم بها»^۳.

بنابر تعلق جار و مجرور به فعل و شبه فعل عام، محتمل است که مِنْ در «من الله» و «هو منه» به معنای بعضیه باشد و در توجیه اشکال تنزه حق تعالی از وصف تبعض می‌شود دست به تأویل زد و گفت که مراد از بعضیت، همان شدت اتصال است و این با ذیل خبر سازگارتر است چرا که می‌فرماید قبل از تنعم انسان از نعمت خدمت‌گزاری دیگران، غلبه توحید بر فرد چنان است که از حساب الهی به دور خواهد بود

۱- الجامع الكبير للسيوطي / ج ۱ / ص ۱۹۴۱

۲- تحف العقول، ص: ۲۹۵

۳- گفته نشود که موضوع آیه شریفه اهل کفر اند بلکه این آیه در مراتب خودش برای همه متنعمین از دنیا جاری است چنانچه در احتجاجات علوی وارد است. (رجوع شود به المحاسن، ج ۲، ص: ۴۰۹)

۴- با فرض تقدیر متعلق از افعال عموم، احتمال اینکه «مِنْ» اولی، نشویه باشد ضعیف است زیرا در دومی معنا نمی‌دهد و هیچ موجودی مبدأ برای ذات الهی سبحانه و تعالی نیست و ظاهر تنسیق، اتحاد «مِنْ» در دو استعمال است شبیه دو روایت منقول از رسول الله صلی الله علیه و آله که می‌فرماید «حسن مني و أنا منه» و «حسين مني و أنا منه» (رجوع شود به بحار الأنوار (ط) - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۳۰۶ و ج ۳۷، ص: ۷۴).

چرا که بین یک حقیقت و بعض او حساب کشیدن، بی‌معنا است. اما بعد از تنعم مزبور، عبد از حق تعالی محتجب می‌شود مانند همه تنعمات دنیوی که موجب تلون نفس و سقوطش در کثرات می‌باشند^۱ و لذا محاسبه وی واجب است چرا که حق یک فرد دیگر (یعنی خادم) در میان است و باید عدل الهی، پشت خادم باشد تا مبدا حقی از وی ضایع شده باشد و این بدون محاسبه ممکن نیست.

و محتمل است که متعلق، فعل خاص تقدیر شود با توجه به قیام قرینه یعنی لا یزال العبد متصلاً من الله و هو متصل منه و بنابر این تقدیر، معنای «مِنْ» ابتدای غایت است و مراد از اتصال نیز همان است که در خبر دوم ذکر شده است و الله اعلم.

۱- مگر اینکه برده‌داری در فضای تربیت عمیق توحیدی باشد که در آن اشتغال به دنیا در حد ضرورت و همراه زهد حقیقی در دنیا است و چنین اشتغالی برای فرد و دیگران، مثمر کمال است و بررسی ابعاد برده‌داری در اسلام و نیز بررسی حقیقت زهد که شاه‌کلید امثال این خبر است، مجال دیگری می‌طلبد.